

رابطه مکتب فساد و ثروت اندوزی

(قسمت اول)

امیر فیض - حقوقدان

در این تحریر، برخلاف تحریرات سابق از روش سنخیت، علی و معلولی استفاده شده و آن به این مفهوم است که «در معلولات منطبق، علل هم منطبق است»

نوشته آقای مهدی خلجی پژوهشگر، به نکته ای اشاره داشت مبنی بر اینکه:

«شرح سرمایه داری روحانیون، یکی از بایسته های پژوهشی در قلمرو اقتصادی و جامعه شناسی است که بدلائل سیاسی و اجتماعی کسی هنوز به سراغ آن نرفته است» (بی - بی - سی).

گرچه ادعای اینکه «کسی هنوز به سراغ آن نرفته است» زیاد قابل قبول نیست زیرا احاطه و آگاهی از همه مسائلی که مورد نقد و پژوهش قرار گرفته ناممکن است و نشریه سنگربارها بمناسبت های مختلف به دلایل ثروتمند شدن روحانیون و رابطه آن با سنت محمد پرداخته است از جمله: «رساله غارت ایران که بتاريخ دهم بهمن ماه سال ۱۳۵۸ از نشریات سنگر منتشر شد که موازین غارت را در حقوق اسلامی و سنت محمد نشان میداد. رساله مزبور باشعار زیر منتشر شد:

غارت برای ماندن اساس سنت اوست - کشن برای وحشت دلیل قدرت اوست

معهدا لازم افتاد که بمناسبت سالگرد کودتای ۲۲ بهمن تحریر مجددی به موضوع مطروحه آقای مهدی خلجی تخصیص داده شود.

مقدمتا - شناسنامه سیاسی ۲۲ بهمن

کودتای سیاسی

مدتها در انتظار فرصتی بودم تا نسبت به تخصیص عنوان شوم و منحوس به ۲۲ بهمن توضیح اصلاحی لازم مطرح شود.

شوم و منحوس که به معنای بد یمنی و بدشانسی است به حوادثی اطلاق میشود که خارج از اراده بشر بوده است. قرآن هم به حوادث شوم اشاراتی دارد که بخواست خدا نازل میشود و مسلمانان هم عادتاً به اعتبار اقوال مذهبی شان روزهایی از سال و ماه را شوم و نحس میدانند؛ امام حسن امام دوم شیعیان روز دوشنبه را نحس میدانست و از خانه خارج نمیشد. شیعیان هم ماه صفر را ماه نحس میدانند، تقویم سازان هم برخی روزها را روزهای نحس معرفی کرده اند، حتی برخی پرندگان و صدای آنها را شوم میدانند.

بنابراین شوم ونحس، بارزه و باورهائی است که ریشه تاریخی و دینی و مذهبی دارد و نمیتوان آنرا به وقایع سیاسی کشورها تعمیم داد. ۲۲ بهمن اگر برای عده ای روزشوم است برای عده ای هم روز خجسته و سعد است و این تفاوت موضع، مانع است که روز ۲۲ بهمن روز شوم ونحس خوانده شود.

حقیقت این است که ۲۲ بهمن در باورهای ایرانیان در ردیف ایام روزهای شوم ونحس قرار نداشت و بعد از مداخله خارجیان و تدارک شورش ۵۷ بملاحظه آنچه که بوسیله خارجیان جایگزین روزهای فرخنده ایرانیان شد در مقام مقایسه، به ایام حاصل از شورش ۵۷ عنوان شوم ونحس داده شد.

هیچ رابطه اجتماعی، باوراجتماع و رخداد اجتماعی و اقتصادی نیست که بدون علت باشد منتها عادت مردم، توجه به معلول است نه علت، و بر همان معلول هم بفرخور درک نسبی خود، نامی بر آن میگذارند، درحالیکه عنوان واقعی و حقیقی رویداد بایستی از ملات علت ساخته شده باشد، از باب مثال مشکلاتی که برای یک کشور اشغال شده پیش میآید نمیشود شوم ونحس دانست بلکه جنگ و اشغال کشور توسط بیگانه را باید علت نامید.

۲۲ بهمن حاصل یک توافق کشورهای بزرگ در گوادلپ علیه رژیم سلطنتی ایران و در نهایت علیه روزهای خجسته و سازندگی و فروانی و صلح و آقائی ایرانیان بود این را نمیشود به حساب شوم ونحس بودن که مشتق از امور سیاسی نیست گذاشت **علت اصلی جایگزینی آنچه بر ایران رفته بدشائسی و بد اختری و بد یمنی ۲۲ بهمن نبود بلکه علت مداخله خارجیان و در واقع کودتای آنها علیه دولت شاهنشاهی ایران بود که تعبیر آن به شوم ونحس بودن سبب پرده پوشی حقیقت نقش بیگانگان و فراموشی مردم خواهد شد.**

جنگ بین الملل اول و دوم مشکلات و سختیها و خونهای بسیاری را در پی داشت ولی میبینیم که از سالگرد آن جنگها بنام شوم ونحس یاد نمیشود و عنوان جنگ به آن داده شده است.

در حمله اعراب به ایران گروهی آنرا تقبیح و محکوم میکنند و گروهی اعراب مهاجم را معلمان اخلاق و راست گوئی میدانند و این اختلاف بارز همچنان ادامه دارد درحالیکه علت واقعی در این معادله همان حمله اعراب به ایران است.

در وقایع ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که قیام مردم برای حفظ قانون اساسی و رژیم قانونی کشور بود، مخالفین، از آن به غلط بنام کودتا یاد میکنند نه روزهای شوم ونحس.

پشتوانه روزهای شوم ونحس خاطره های نسبی و زودگذر است درحالیکه پشتوانه شورش ۵۷ دخالت و کودتای سیاسی کشورهای اروپائی و آمریکا است که منشور سازمان ملل متحد و قرارداد هلسینکی و نیز قانون اساسی همان کشورهای کودتا کننده علیه رژیم قانونی ایران دخالت آنها را در امور ایران منع و محکوم ساخته است.

نمیشود معبرهای حقوقی محکومیت خارجیان را در مداخله امور ایران نادیده گرفت و بجای تطبیق دادن و محکوم ساختن کودتای سیاسی آن کشورها علیه رژیم قانونی کشورمان به مسیراحساسی شوم ونحس اکتفا کرد.

بنابراین، این مختصرنشانگر شناسنامه سیاسی روز ۲۲ بهمن سال ۵۷ است که روز کودتای سیاسی بیگانگان علیه رژیم قانونی ایران و جایگزین ساختن نکبت و فلاکت بر خوشبختی و سرافرازی ملت ماست.

تخصیص عنوان کودتای سیاسی علیه رژیم شاهنشاهی ایران پایه های خاصیت جمهوری اسلامی را از نظر حقوق سیاسی مستحکم و قابل دفاع میسازد درحالیکه عنوان ثنوم ونصص به چریان ثنورش ۵۷ یک روضه خوانی و افسوس پیش نیست.

و اکنون قسمت اول:

مکتب فساد

بطریق تطبیقی

یکی از دستاوردهای جمهوری اسلامی (غاصب ایران) ثروت اندوزی ملاهای حکومتی و اعوان و انصار آنهاست، بارزه ثروت اندوزی ملاها صحبت امروز نیست درسال ۱۳۷۶ یعنی ۱۷ سال بعد از بقدرت رسیدن ملاها بوسیله بیگانگان، آقای رحیمی نماینده ولایت فقیه در بنیاد شهید و از یاران اولین خمینی گفت:

«پس از ۱۷ سال ناگهان میبینیم که طاغوتی شده ایم، فکر نمی‌کردم که زیر سایه جمهوری اسلامی و خون شهدا خانه های میلیاردی ساخته شود، غرق در منجلا ب دنیا و مادیات شده ایم. زندگی در خانه های طاغوتی اول بر ایمان مشگل بود و حالا عادت کرده ایم»

ثروت اندوزی در قرآن و سنت

قرآن؛ ثروت، رفاه، آسایش، زینت آلات، عشق و علاقه به زندگی را منع و مستوجب مجازاتهای سخت میداند (علاقمندان به موارد و مستندات قرآن به رساله «نیروی با زدارنده» از انتشارات سنگر رجوع فرمایند).

اما این دستور قرآن متوجه مردم مسلمان است نه حاکمان بر مردم مسلمان. چرا که قرآن چیزی و یا کلامی درباره حکومت ندارد و آنچه که در این باب وجود دارد در سنت محمد است.

سنت محمد بمنظور تقویب و فراگیری اسلامی و سرکوبی مخالفان اسلامی، حکم محکومیت ثروت اندوزی را برای هواداران و نزدیکان حکومتی خود برداشت و دست آنها را کاملاً برای غارت اموال غیرمسلمانان و جمع آوری ثروت باز گذاشت، حتی خود محمد و علی نیز که در مهاجرت به مدینه بایک شتر پیاده و سواره حرکت میکردند، در مدینه به ثروتهای قابل توجهی دست یافتند که تمامی از غارت اموال مخالفان اسلام بود، بنوشته تاریخ اسلام، محمد غنائمی که از غارت کاروان ها و قبایله های غیر اسلامی بدست میآورد بین خاصان و کسانی که زیر پرچم حکومتی او قرار داشتند تقسیم میکرد و البته سهم قابل توجهی هم برای خودش به حکم آیه ای که ساخته بود تخصیص میداد.

مورد تطبیق

سنت محمد در غارت اموال مخالفین و ثروت اندوزی طرفدارانش از زمان به قدرت رسیدن او تاکنون کماکان جریان داشته است، چنانکه ابوبکر، بعضی از متروکات شهر را به زبیر بن عوام و محمد مسلمه بخشید، و عمر هم تمام جواهرات زنانه ای که از غارت زنان در خزانه بود به عایشه بخشید و مستمری او را از ۱۲۰۰۰ درهم به ۲۰۰۰۰ درهم افزایش داد (تاریخ فربشتر و تاریخ تمدن).

تطبیق ۱ = در جمهوری اسلامی که بارها ادعا شده <جای پای محمد حرکت میکند> به وضوح دیدیم که اموال مخالفین جمهوری اسلامی تحت عناوین مختلف مصادره <غارت توسط حکومت نامش مصادره است = در تشیع حاکم اسلامی حق تصرف اموال هر کسی را ندارد> و به اعوان و انصار حکومت داده شد که کلیت آن عام و از جمله است که خمینی کارخانه جوراب استار لایت را که مصادره کرده بود به هادی غفاری جلاد معروف بخشید. (مشروح در کیهان لندن شماره ۳۸۱)

مورد تطبیق ۲

تطبیق ۲ = اعراب به هیچوجه با تجملات و راحتی و غذای خوب عادت نداشتند (تطبیق کنید با اظهارات رحیمیان) و چنانکه جرجی زیدان نوشته است اعراب، که برنج را سموم و نان لواش را کاغذ میپنداشتند سخت به تجملات ایرانی دل بسته شدند.

مورد تطبیق ۳

تطبیق ۳ = سیره محمد دلگرم ساختن مدافعان اسلام و حکومت بود و در این مسیر کاملاً فرماندهان و مسئولین حکومتی را در اندوختن مال و غارت و تصرف اموال دیگران آزاد گذارده بود چنانکه عبدالرحمن عوف از نزدیکان محمد که حتی پیش بینی میشد که خلافت بعد از محمد را داشته باشد و در ابتدای غزوات پیاده و یک لاقبا بود از غارت بجائی رسید که در سرطویله اش ۱۰۰۰ اسب و ۱۰۰۰ شتر و دوهزار گوسفند داشت و ربع متروکات بعد از مرگش را به ۸۴۰۰۰ دینار غیر از حشم او تخمین زدند.

زید بن ثابت که یک عرب فاقد همه چیز بود (مقایسه کنید با آخوند های قبل از شورش) بعد از مرگش آنقدر طلا و نقره از خود باقی گذاشت که ورثه او با تیشه شمش های طلا را شکستند و بین خودشان تقسیم کردند. (تاریخ اسلام).

در زمان خلافت عثمان، صحابه دارای همه چیز از مال و مکتب بودند خود عثمان هنگام مرگ یکصد هزار دینار طلا و یک میلیون درهم وجه نقد داشت.

این ثروتهای بی حساب را صحابه حکومت از کجا آورده بودند از کار و کارخانه داری و یا غارت و چپاول، از تعدی و تجاوز و ظلم به مردم که مردم از ترس جانانشان مالشان را تقدیم میکردند.

حاکم خراسان بنام عبدالله قسری از سال ۱۰۵ تا ۱۲۰ هجری سالیانه بیست میلیون درهم برابر ۲۰ میلیون فرانک حقوق برای خود منظور کرده بود و علاوه بر آن صد میلیون فرانک هم از غارت مردم بدست میآورد و درآمد فرزند او نیز سالیانه به ۱۰ میلیون دینار مبرسید (ابن کثیر شامی ج ۹ ص ۳۲۵).

تاریخ اجتماعی ایران به نقل از تاریخ مسعودی نوشته است: >عجب اینکه این مردم خودخواه و مال دوست جملگی از یاران محمد و در شمار کسانی بودند که داعیه خلافت و رهبری مسلمانان را نیز داشتند (قابل تطبیق با ثروتهای نجومی آخوند های حکومتی که لیسات ثروت آنان را خبرگزاری سی ان ان اعلام و منتشر ساخت).^۱

مورد تطبیق ۴

ابن خلدون در کتاب مقدمه معروف خود نوشته است:

معاویه هنگام باز آمدن از شام با هیبت و شکوه و لباس پادشاهی و سپاهیان گران و بسیج فروان با عمر بن خطاب ملاقات کرد. عمر اعتراض کرد و گفت ای معاویه آیا بروش کسرایان گرانی؟ معاویه گفت ای امیرالمومنین، من در مرزی میباشم که بادشمنان رو برو هستم و از لحاظ وسائل جنگ و جهاد ناگزیرم برایشان مباحثات کنم (مقایسه کنید با اظهارات ناطق نوری در مقابل اینکه چرا از تومبیل های زرهی بنز برای رفت و آمد استفاده میکنید؛ گفت این سیاست نظام است) (کیهان لندن).

مورد تطبیق ۵

دکتر فاندور مورخ آلمانی نوشته است >محمد مردان خود را به امید غنیمت این جهانی و بهشت آن جهانی چنان متحد و آموزش داده بود که مخالفین بدون جنگ اموال خود را تسلیم و ترک دیار میکردند (مقایسه و تطبیق بفرمانید با ترک ایران توسط میلیون ها ایرانی که بیشترشان جانشان را برداشتند و قید اموالشان را زدند).

مورد تطبیق ۶

بنوشته سهروردی در کتاب «وفالرفا» جلد دوم، اموال محمد بشرح زیر بوده است:

- ۱- باغستان های هفتگانه متعلق به مخیریهودی که محمد ادعا میکرد که مخیریهودی هنگام مرگش زیرگوشی به محمد گفته اموال من تعلق بتو دارد.
- ۲- قریه حصار که در جنگ خیبر بعنوان سهم خدا از غنائم کنار گذاشته شد و بعد به محمد رسید که خود را نایب خدا میدانست.
- ۳- قریه فدک که این قریه آباد ترین قراء عربستان محسوب میشد و دارای چشمه آبی بود و به اندازه شهر کوفه درخت خرما داشت و عایدات فدک در هر سال ۱۰۰۰ دینار طلا نقل شده است (ابن طائوس - کشف المعجمه صفحه ۹۴).

این ثروتهای سرشار از آن محمدی بود که بنوشته تاریخ اسلام به مشارکت ابوبکر و قبل از فرمانفرمایی بر اسلام خشت زنی میکرد.

^۱ - سالها پیش لیست کاملی از ثروت آخوند ها در فایلی که بارها بازپخش شده است تنظیم شده است، در صورت درخواست میتوانید آن لیست را داشته باشید. لیست تلویزیون سی ان ان، ناقص تر از لیست یاد شده است. ح-ک

تطبیق بفرمائید با آخوندهای حاکم بر ایران که درگورستان ها پلاس بودند که ازبازماندگان مردگان چیزی دریافت کنند، ولی بعدازبقدرت رسیدن هریک صاحب ثروتهای افسانه ای شدند یعنی درست رعایت سنت محمد.

علی وردست محمد هم ازقافله چپاول مردم و ثروت اندوزی غافل نبود، وبنوشته (تحفت المجالس) که علی یک قرص نان ازیک یهودی قرض کرد که سد جوع کند وکارش سنگ شکنی بود باتبعیت ازسنت محمد به ثروتی رسید که نخلستان های علی چنان درآمدی داشت که علی نمیدانست با آن چه بکند تنها یکی ازتخلستانهای او سالیانه ۴۰ هزاردیناردرآمد داشت.

بنوشته منتخب التواریخ اثرسید کریم، آن حضرت زمین های بایربین نجف وکوفه تاحیره راازدهقانان به حدود ۴۰ هزاردرهم خرید که همه مردم میگفتند این زمین های بایروبی آب چه ارزشی دارد.

اگرپول کسی ازپاروبالانرود پول بی حساب وبی زحمت نباشد آیا میرود زمین های بایررا بخرد؟ این پولهای بی حساب از تاسی به سنت محمد و غارت مردم بدست آمده بود نه کاروزحمت.

(پایان قسمت اول)